

خطاب به همه تشکلهای مربوط اطبا

و متخصصین کلیه و وجدانهای آگاه در این عرصه

نجیبه صالح زاده

بیست ششم آذرماه هشتاد و شش

دیروز (۲۵ آذر ۱۳۸۶) همسر محمود صالحی را، از روی تخت بیمارستان توحید سندانج، بدون اینکه دکتر متخصص کلیه را ببالینش بیاورند، به زندان برگرداندند. کلیه راست محمود از کار افتاده و کلیه دومش نیز، که پلی استیک است، به طرزی ناقص کار میکند.

در تاریخ ۲۰ آذر ماه ۸۶ همسر را بدلیل از دست دادن تعادل و زمین خوردن و در حال بیهوشی مطلق به بیمارستان منتقل کردند. در آنجا بجای اقدام در جهت معالجه کلیه، او را در بخش مغز و اعصاب در بیمارستانی بستری کردند که نه امکانات معالجه بیماری کلیوی را دارد و نه قادر است در مورد مغز و اعصاب کمک موثری بکند. اکنون بیش از یک هفته است که او آشامیدنیها را دفع نکرده، شکمش ورم کرده و خطر سرایت سم به خونس امکان دارد. مقامات زندان به طرز آشکاری اصرار دارند تا او را از هرگونه معالجات کلیوی محروم کنند.

بیماری کلیه محمود موروثی است. مادر او به همین درد مبتلا بوده است. در حال حاضر خواهر او و فرزند کوچکش از همین بیماری رنج میبرند. محمود در سال ۱۳۶۰، در حالیکه به دلیل فعالیت کارگری ناچار شده بود در شهر مهاباد زندگی کند، به دکتر ابریشمی، متخصص کلیه، مراجعه کرد و معلوم شد که سنگ کلیه دارد، از آن سال بیعد تاکنون و بدلیل زندانی شدن مستمر بخاطر فعالیتهای کارگری، او نتوانست به طرز موثری کلیه‌اش را معالجه نماید.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۴ همسر با هیئت اتحادیه‌های آزاد کارگری به سرپرستی آنا بیوندی دیدار کرد و گزارشی از وضع کارگران به آنها داد. (این هیئت طبق دعوت مقامات برگماشته کارگری ایران که بطور قانونی به ایران سفر کرده بود). این امر بدیده مقامات ناخوشایند آمد و در ۱۱ اردیبهشت او را به بهانه اقدام در جهت برگزاری روز جهانی کارگر به زندان انداختند. زندانی شدن کنونی او به دلیل همان بهانه‌گیریهاست.

سال گذشته و قبل از دستگیری دکتر موسوی، پزشک متخصص در شهر سقز، تشخیص داد که او باید دیالیز شود. پزشکان در شهر رضائیه، پس از آزمایشات مکرر، به این نتیجه رسیدند که سنگ کلیه عفونت کرده و او باید عمل شود. مقدمات انجام عمل فراهم شد که مقامات قضائی او را در تاریخ ۲۰ فروردین ۸۶، با حيله دستگیر کردند و به این ترتیب شانس عمل کردن وی را از ما گرفتند. به نظر میرسد که دستگیری او در چنان موقعیتی و محروم نگه داشتنش از هرگونه مداوا و مراقبت پزشکی آگاهانه انجام گرفته است. هم اکنون او را به جای سپردن به دست متخصص کلیه به دست متخصصین دیگری میسپارند. اینها ممکن است بدرد پرونده پزشکی مقامات زندان بخورد، اما دوره محرومیت همسر از مداوا و مراقبت موثر کلیه‌اش را طولانی تر میکند.

در حال حاضر وضعیت جسمی همسر به شدت وخیم است. یکی از کلیه‌های او از کار افتاده و بدلیل محرومیت از مداوای موثر، کلیه دیگرش نیز دارد از کار می‌افتد. فشار خون او متغییر و چربی قندش بالا رفته است، او روزانه

بیشتر از دو بار بیهوش میشود. عدم مداوای کلیه، بر قلب وی نیز تاثیر گذاشته است. پاهای او ورم کرده و تزریق بیش از حد آمپول آرام بخش، سلامتی او را بیشتر به مخاطره میندازد.

همسر محمود صالحی یک فعال کارگری است که در داخل و خارج به خوبی شناخته شده است. اقدامات کنونی در جهت حذف وی بدلیل نقشی است که او در کنار همراهانش در جهت آگاهگری و ایجاد تشکل کارگری در دستور کار خود گذاشته بود. کمک به خنثی کردن هر توطئه‌ئی علیه محمود خدمت به تداوم فعالیت در جهت سالم سازی جامعه است. جامعه‌ئی که کارگر در آن از آزادی بیان، حق اعتصاب و حق تشکل برخوردار باشد. کمک به محمود در جهت سلامتی جسمی و روحیش وظیفه انسانی ما و هر وجدان آگاه به این امر میباشد.

من هم بدلیل انسانی و هم بدلیل اجتماعی از شما خواستارم که به هر طریق ممکن در این راستا اقدامات شایسته را انجام دهید تا محمود به خاطر بیماری‌ای که قابل علاج است در زندان از بین نرود و زمینه مداوای وی را در یک کلینیک تخصصی را فراهم کنیم .

با تشکر فراوان نجیبه صالح زاده همسر محمود صالحی.

۲۶ آذر ۱۳۸۶